

علم أصول الفقه

٢٢

شهرت ٩٣-٩-٨

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

• تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (٤٤)

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- نتیجه بحث این می شود که شهرت فتوایی نه به حساب احتمالات، مفید اطمینان و یقین است و نه به دلیل «مقبولة عمر بن حنظله» یا «مرفوعه زراره» حجیت دارد و نه ادلة حجیت خبر واحد می توانند حجیت آن را ثابت کنند.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- شهید صدر - رضوان الله علیه - خیلی مجمل به مطلب آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - اشاره کرده است به گونه‌ای که توضیحات ما اصلاً از عبارت ایشان به دست نمی‌آید، بلکه از بیان خود آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - هم به دست نمی‌آید؛ ولی به نظر می‌رسد مقصود ایشان همین توضیحاتی است که ما گفتیم.
- ذاتی در اینجا معادل اصطلاح ساجکتیو در فلسفه کانت است.

۳. تعمیم دلیل حجیت خبر واحد

- موضوعی در اینجا معادل اصطلاح آبجکتیو در فلسفه کانت است.
- واعظ الحسینی البهسودی، محمد سرور، مصباح الأصول (تقریر درس اصول آیت الله خوئی)، ج ۲، ص ۱۴۴.
- دروغ گفتن یا اشتباه کردن ثقه محال نیست و ممکن است یک بار دروغ بگوید یا اشتباه کند؛ ولی عادتاً دروغ نمی گوید یا اشتباه نمی کند.
- ممکن است یک آدمی حالتی داشته باشد که گمان کند بیشتر وقتها که تاس را می اندازد، عدد شش می آید. در حقیقت ظنش به این است که ۸۰٪ عدد شش می آید. این امر ذاتی است و وابسته به این شخص است.
- شهید صدر - رضوان الله علیه - راه حلی مطرح کرد که در واقع یکی از مهم ترین ابداعات اصولی ایشان محسوب می شود؛ البته این بحث به صورت خیلی مجمل و نامفهوم در مطالب افاضیاء عراقی - رضوان الله علیه - هست و بعضی گفته اند شاید شهید صدر - رضوان الله علیه - از ایشان الهام گرفته است؛ ولی هر کسی آن کلمات افاضیاء - رضوان الله علیه - را ببیند، متوجه می شود که این بحث شهید صدر - رضوان الله علیه - را نمی شود از آن به دست آورد و به فرض هم شهید صدر - رضوان الله علیه - توانسته چنین کاری کند، مثل این است که خودش ایجاد کرده باشد! اصلاً معلوم نیست خود افاضیاء - رضوان الله علیه - هم مقصودشان این بوده باشد؛ چون در جاهای دیگر بحث روشنی در این زمینه ندارد.
- این ترخیص های شارع همه لاقتضاء نیستند؛ یعنی علت ترخیص این نیست که نه زمینه الزام به فعل بوده است و نه زمینه الزام به ترک، بلکه در مواردی اقتضاء الزام وجود داشته است؛ اما شارع به دلایلی ترخیص داده است. برای اینکه عبد به فرامین الهی گوش دهد و اطاعت کند؛ یعنی با اراده خودش آنچه را که باید انجام دهد، انجام دهد و آنچه را که باید ترک کند، ترک کند، شارع در مواردی دست عبد را باز گذاشته است؛ زیرا اگر می خواست در همه جا باید و نباید داشته باشد، عبد تحمل این همه فرمان را نداشت. اگر فهرست کنید، بدون شک تعداد افعالی که نه واجب است و نه حرام بسیار بیشتر از تعداد افعال واجب و حرام است. با این همه رعایت کردن سنگین به نظر می رسد و التزام به همین مقدار الزامات هم سخت به نظر می آید و معلوم نبود اگر خدا - تبارک و تعالی - از این مقدار بیشتر الزام می داشت، چند نفر به احکام شرعی ملتزم می ماند!

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

- حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه
- ما می پذیریم شهرت فتوایی درجه‌ای از ظن را افاده می‌کند و ممکن است به تبع موارد متفاوت باشد و ممکن است در برخی موارد از انضمام شهرت فتوایی به ظنون دیگر که آن‌ها نیز به تنهایی مفید اطمینان یا یقین نیستند، به اطمینان یا یقین برسیم.

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

- پس بر خلاف آیت الله خوئی - رضوان الله عليه - که معتقدند ضم لا حجة به لا حجة نمی تواند منشأ پیدایش حجت شود، بر این باوریم که گرچه دلیل خاصی بر حجیت هر یک از این ظنون به تنهایی اقامه نشده است و همچنین هر یک به حدی نمی رسند که به اطمینان یا یقین منجر گردند تا حجیت عقلایی یا عقلی داشته باشند، چه بسا این ظنون غیر حجت، در کنار هم منجر به اطمینان شوند که حجیت عقلایی دارد یا به یقین منتهی گردند که حجیت عقلی دارد.

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

- ما با همین بیان می‌توانیم برخی از اتفاقاتی را که در فقه افتاده است، توضیح دهیم؛ برای مثال آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - اشکال می‌کند که فقهای مثل شیخ انصاری - رضوان الله علیه - در اصول چه بسیار بحث می‌کنند تا ثابت کنند شهرت یا اجماع منقول حجت نیست و یا خبر واحدی حجت است که راویان آن خبر ثقه باشند. بعد همین فقها وقتی به فقه می‌رسند گویا اصول را از یاد می‌برند و با مراجعه به مکاسب می‌بینیم شیخ - رضوان الله علیه - به اجماعات منقول و شهرت‌ها و اخباری که وثاقت راویان آنها محرز نیست، تمسک می‌کند!

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

- آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - اصرار دارند که وقتی قاعده‌ای را در اصول می‌پذیریم، باید در فقه به همان قاعده ملتزم باشیم. برای همین ایشان بر اساس موضعشان در اصول در نپذیرفتن اجماع و شهرت در خیلی از موارد در مقام بحث فقهی و استدلالی، با شهرت‌ها و اجماعات مخالفت کرده‌اند؛ البته در بحث فتوایی در بعضی از موارد احتیاط کرده‌اند.

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

- رویه‌ای را که مثل شیخ - رضوان الله علیه - دارند تا حدودی می‌شود با این نکته اخیر توجیه کرد؛ مثلاً می‌بینیم شیخ - رضوان الله علیه - یک شهرت را به همراه یک روایت ضعیف و در کنار یک دلیل که مفید یقین نیست، قرار می‌دهد و آن‌ها را با هم یک دلیل فتوا می‌داند. چه بسا در ذهن شیخ - رضوان الله علیه - هم همین بوده است که گرچه دلیلی بر حجیت تک تک این‌ها نیست، انضمام این‌ها به یکدیگر مفید اطمینان یا یقین است.

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

- بنابراین در واقع وی بر اساس آن اطمینان یا یقین فتوا می‌دهد یا می‌بینیم با اینکه شیخ - رضوان الله علیه - مثل تستری - رضوان الله علیه - تمام راه‌های دوازده گانه اجماع را می‌بند؛ اما در فقه به اجماعات منقول و محصل تمسک می‌کند. شاید شیخ - رضوان الله علیه - هم مثل شهید صدر - رضوان الله علیه - می‌دید اجماع منقول قدما به دلیل بعضی ویژگی‌ها می‌تواند حجت باشد.

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

- با این بحث، مباحث حجت غیر عقلی غیر لفظی تمام می شوند و بحث جدید ما در باب حجت غیر عقلی لفظی خواهد بود.

حجیت شهرت به نحو موجبة جزئیه

•
•
•
•

. شیخ - رضوان الله عليه - در بحث اجماع تحت تأثیر توستری - رضوان الله عليه - است. وی دو کتاب معروف دارد: مقابس الأنوار در بحث‌های مربوط به مکاسب و «كشف الغناء عن وجه الإجماع» در بحث اصولی اجماع. شیخ - رضوان الله عليه - به شدت تحت تأثیر هر دو کتاب قرار دارد. در مکاسب در بسیاری از بحث‌ها تحت تأثیر مقابس الأنوار است و در رسائل گویا کتاب كشف الغناء را تلخیص کرده است!

